

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



جزئیات پیشنهاد هسته‌ای جدید ایران به آمریکا

امواج‌مدیا دریافت‌ه‌است که مقام‌های ایران و آمریکا در روزهای اخیر به صورت مستمر در تماس بوده‌اند که نشان‌دهنده عزم سیاسی قاطع در ایران برای اجتناب از منازعه پیش‌رو در شورای امنیت سازمان ملل است. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در سایه شبح فشار کشورهای اروپایی برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت با استیو ویتکاف، همتای مذاکراتی خود در تماس بوده‌است. تماس‌های اخیر بر پایه پیشنهاد ایران برای رسیدن به یک توافق موقت بوده‌است که بلافاصله با مذاکرات برای رسیدن به یک توافق نهایی ادامه پیدا کند. مقام‌های آگاه در ایران به امواج‌مدیا گفته‌اند که ایران این پیشنهاد را روز سه‌شنبه در اختیار ویتکاف قرار داده‌است، درست یک روز پیش از کنفرانس تلفنی با همتایش از سه کشور اروپایی. این پیشنهاد با سه کشور اروپایی هم در میان گذاشته‌شده‌است. پیشنهاد ارائه‌شده از طرف ایران شامل دو گام همزمان تا پیش از موعد اسنپک در تاریخ ۲۸ سپتامبر است. نخست اینکه ایران گفت‌وگوها برای یک توافق موقت را آغاز می‌کند که دستور کار این مذاکرات رقیق‌سازی اورانیوم غنی‌شده سطح بالای ایران است. در عوض اروپا دنبال کردن بازگشت قطعنامه‌ها را متوقف می‌کند و گزینه رفع تحریم‌ها را روی میز می‌گذارد. گام دوم همزمان این است که برای دادن زمان به گفت‌وگو برای توافق موقت، ایران پیشنهاد می‌کند که قطعنامه ۲۲۳۱ برای چند ماه تمدید نشود. در این شرایط اروپایی‌ها می‌توانند تحریم‌ها را بازگردانند، اما برای مدتی از این کار صرف‌نظر می‌کنند.

برای توافق موقت ایران دو گام پیشنهاد داده‌است نخست اینکه آمریکا تضمین عینی و محکم برای اجتناب از اقدام نظامی مجدد علیه ایران می‌دهد و در برابر ایران فرایند بازایی فیزیکی اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد را آغاز می‌کند. وقتی این اورانیوم بازیابی شد، سه گام پشت سر هم برداشته می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۲۳۱ را پایان‌یافته اعلام می‌کند، ایران اورانیوم ۶۰ درصد را در سطح ۲۰ درصد رقیق می‌کند و گام سوم اینکه آمریکا تحریم‌هایی را که در توافق موقت مورد موافقت قرار گرفته‌است لغو می‌کند، تا مذاکرات برای توافق نهایی آغاز شود. یک مقام بلندپایه سیاسی ایران به شرط پنهان ماندن نامش به امواج‌مدیا گفته‌است که دولت دونالد ترامپ هنوز به پیشنهادی که ایران در تاریخ سه‌شنبه ارائه کرد پاسخ نداده‌است. مقام آگاه دیگر اظهار بدبینی کرده‌است و معتقد است که ترامپ دست از مطالبه تسلیم کامل ایران بر نخواهد داشت و ممکن است برای حمله نظامی مجدد به ایران برنامه‌ریزی کند.

پس از حمله ماه ژوئن اسرائیل، ایران استمرار گفت‌وگوها با دولت ترامپ را به تضمین خودداری از حمله مجدد منوط کرده‌بود. وضعیت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم ذخیره اورانیوم غنی‌شده در سطح بالای ایران هنوز نامشخص است و ایران گفته‌است که این ذخایر زیر آوار تاسیساتی که تحت حمله قرار گرفته‌اند، دفن شده‌است. این موضوع همچنان برای پایتخت‌های غربی مورد نگرانی است. تندرورها در ایران از این نگرانی غرب آگاه هستند و قصد دارند از این ذخایر به عنوان یک ابزار برای یکی از معدود اهرم‌های فشار باقیمانده استفاده کنند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد که به‌رغم پیشنهاد تهران، دولت‌های غربی همچنان مصمم به اجرایی کردن برنامه خود برای بازگرداندن تحریم‌های پیشین باشند. مقام‌های سیاسی در تهران معتقدند که این پویایی‌ها نتیجه بی‌تصمیمی غرب به دلیل فقدان راهبرد مشخص از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا است. یک مقام ارشد ایرانی به امواج‌مدیا می‌گوید: «آنها همگی دچار وضعیت بغرنجی شده‌اند. آنها نمی‌توانند پیشنهاد توافق را رد کنند، در عین حال نمی‌توانند آن را بپذیرند. آنها می‌گویند که توافق معقول است اما اینگونه وانمود می‌کنند که عراقچی در این پیشنهاد تنها است.» این مقام با اشاره به احتمال دیپلماسی دقیقه‌نودی در حاشیه نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با اشاره به اینکه آمریکا هیچ انعطافی نشان نداده‌است می‌گوید: «این پیشنهادی است که هیچ کس در شرایطی نیست که بتواند آن را رد کند.»



جای خالی حامی

آیا صندلی خالی ایران در تلاش‌های دیپلماتیک برای تشکیل کشور فلسطینی به نفع مردم فلسطین است؟



عکس: AFP

سید هادی برهانی استاد مطالعات اسرائیل، در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

غیبت در رای به «بیانیه نیویورک» مایه تاسف بود

به سازمان ملل متحد و بقیه سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان همکاری اسلامی نگاه کنیم، مهم‌ترین رقیب سیاست فلسطین‌زدایی اسرائیل و محو فلسطین از نقشه جهان، صرفاً راهکار دودولتی است. راهکار جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر همه‌پرسی و تشکیل یک دولت است، هر چند یک راه‌حل ایده‌آل آفرینانه است، اما هیچ بروز و ظهوری در میدان سیاست بین‌الملل ندارد. جز جمهوری اسلامی ایران هیچ کشوری از این راه‌حل رسماً حمایت نمی‌کند و در سازمان ملل متحد دیگر نهادهای بین‌المللی این راهکار اساساً مطرح نمی‌شود. امروز دو گزینه در مقابل جهان قرار گرفته‌است: نخست راهکار فلسطین‌زدایی و اشغال‌گری که اسرائیل آن را عملاً دنبال می‌کند و دومین راه‌حل راهکار دودولتی است که جمع‌کننده دو دولت‌های جهان از آن حمایت می‌کنند و معتقدند که فلسطینیان باید در این سرزمین حضور داشته‌باشند، کشور و حق تعیین سرنوشت خودشان را داشته‌باشند و یک ملت مستقل باشند. متأسفانه انتخاب جمهوری اسلامی ایران این بوده‌است که از راهکار دوم حمایت نکند. اگر ما از راهکار دودولتی حمایت نکنیم، آنگاه فلسطینیان را از کمک و مساعدتی که شدیداً به آن نیاز دارند، محروم کرده‌ایم. ما با رای مثبت به راهکار دودولتی، دست‌کم می‌توانیم به این موضوع کمک کنیم که فلسطینی‌ها همچنان جایی در جغرافیای فلسطین داشته‌باشند. واقعیت این است که اکنون سیاست عملی اسرائیل در محو فلسطین و بلاموضوع کردن مسئله فلسطین با شدت در حال پیگیری و پیش‌روی است و حمایت ایران از راهکار دودولتی می‌تواند به ازای بیشتر اسرائیل و تلاش برای به شکست کشاندن سیاست اسرائیل کمک کند.

آیا حمایت تهران از راهکار دودولتی و رای مثبت به چنین برنامه‌ای، نافی راهکار مورد نظر ایران است و باعث بلاموضوع شدن راهکار ایران می‌شود؟ حتی اگر کسی که حماس در منشور اصلاح‌شده خود در سال ۲۰۱۷ برای تشکیل کشور فلسطینی ارائه داده‌است، با راهکار دودولتی سازگاری دارد. به نظر من الگوی حماس دست‌کم برای جمهوری اسلامی می‌تواند قابل قبول باشد. حماس در این منشور تأکید می‌کند که نخست اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، دوم اینکه جغرافیایی که به صورت تاریخی به ملت فلسطین تعلق داشته‌است، همچنان متعلق به ملت فلسطین است و حماس از تمامیت سرزمینی فلسطین نمی‌گذرد، اما نکته سوم که در این چارچوب بسیار اهمیت دارد این است که حماس با تشکیل حکومت فلسطینی در هر بخشی از این جغرافیای سرزمینی از جمله اراضی اشغالی ۱۹۶۷ که شامل کرانه باختری و نوار غزه می‌شود، هیچ مخالفتی نمی‌کند و بلکه تلویحاً از آن استقبال هم می‌کند. یعنی نظر حماس، به عنوان بزرگ‌ترین گروه مقاومت فلسطینی در مقابل اشغال‌گری نیز، این است که مخالفتی با حاکمیت فلسطینیان بر بخشی از سرزمین فلسطین ندارد. جمهوری اسلامی ایران هم می‌تواند از این موضع عاقلانه و خردمندانه استفاده کند. جمهوری اسلامی ایران همچنان می‌تواند اسرائیل را به رسمیت نشناسد. کشورهای اسلامی زیادی وجود

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



هفته گذشته زمانی که قطعنامه پیشنهادی عربستان سعودی و فرانسه با موضوع راهکار مسالمت‌آمیز برای مسئله فلسطین و حمایت از راهکار دودولتی برای تشکیل کشور فلسطین مقابل مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت، جای ایران خالی بود. ۱۴۲ کشور از میان ۱۹۲ عضو سازمان ملل متحد به این قطعنامه رای مثبت دادند و تنها ۱۰ کشور، از جمله آمریکا و اسرائیل به این قطعنامه رای منفی دادند. با این حال ایران و چند کشور دیگر در این رای‌گیری غایب بودند. این غیبت سوال‌های زیادی را در مورد مواضع ایران در خصوص تشکیل کشور فلسطینی ایجاد کرده‌است. ایران هر چند رسماً اعلام کرده‌است که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، اما در عین حال همواره تأکید دارد که حامی حقوق مردم فلسطین است. در روزگاری که رژیم اسرائیل در اقدام به نسل‌کشی فلسطینیان در حال پاک کردن نوار غزه از روی نقشه جغرافیای است، دولت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از طرح‌هایی که ممکن است بخشی از سرزمین فلسطین را به عنوان یک کشور مستقل در اختیار فلسطینیان قرار دهد، تعلل می‌کند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که تشکیل یک کشور فلسطینی، حتی در بخش کوچکی از سرزمین تاریخی فلسطین، شرایط را برای زندگی فلسطینیان به شکل قابل توجهی بهبود می‌بخشد و شرایط فعلی زندگی تحت اشغال را تغییر می‌دهد.

دلایل غیبت ایران در رای به بیانیه نیویورک

تهران در نام‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد تأکید کرده‌است که این بیانیه ریشه‌های بحران را نادیده می‌گیرد، مسئولیت‌ها را تحریف می‌کند و حقوق مسلم ملت فلسطین از جمله حق دفاع مشروع را حذف کرده‌است. جمهوری اسلامی ایران در توضیح علل خودداری از مشارکت در رای‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل درباره قطعنامه پیشنهادی فرانسه و عربستان سعودی، بر

دارند که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند، اما از راهکار دودولتی هم همزمان حمایت می‌کنند. اما اینکه کشور فلسطینی در محدوده‌ای از خاک سرزمین تاریخی فلسطین تشکیل شود، به عنوان گام نخست، می‌توان حمایت کرد. دقیقاً با چنین طرز تفکر و دیدگاهی ایران می‌تواند به قطعنامه‌هایی که کشور فلسطینی را به رسمیت می‌شناسد یا راهکار دودولتی را تجویز می‌کند، رای مثبت دهد.

به اعتقاد من غیبت ایران در جلسه رای‌گیری قطعنامه اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد تشکیل کشور فلسطینی، امری ناپسندو شاید انتخابی غیرهوشمندانه بود. اسرائیل و آمریکا مخالف قطعنامه بودند، در حالی که بقیه کشورهای جهان تقریباً یک‌صدا از آن حمایت کردند، اما در این میان ایران غایب بود. چنین غیبتی یک سرشکستگی در سیاست خارجی ما است. جایی که ما می‌توانستیم حمایتی از فلسطین، کشور فلسطین و حقوق مردم فلسطین بکنیم، غیبت کردیم.

فکر می‌کنید ایران باید نسبت به قطعنامه پیشنهاد عربستان سعودی و فرانسه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موسوم به بیانیه نیویورک چه رویکردی در پیش می‌گرفت؟

ایران باید به این قطعنامه رای مثبت می‌داد و برای توجیه این رای مثبت، دست‌کم دو مسیر منطقی برای ایران وجود داشت که می‌تواند در رای به قطعنامه‌های بعدی به یکی از این دو فرمول متوسل شود. نخست اینکه ایران اعلام کند به اجماع جهان اسلام می‌پیوندد، یعنی تأکید کند که در مسئله فلسطین ایران یک نظر مشخص دارد، اما جهان اسلام و برآیند نه‌آدی از یعنی سازمان همکاری اسلامی در مورد هر نتیجه‌ای در مورد فلسطین اجماع کند، تهران هم برای حفظ وحدت و اجماع کشورهای اسلامی به این رای می‌پیوندد. این رای مثبت با حفظ موضع اصولی جمهوری اسلامی در مورد راهکار همه‌پرسی است. راهکار دوم این است که ایران به نظر گروه‌های فلسطینی احترام بگذارد، یعنی از جمع گروه‌های فلسطینی در مورد محتوای قطعنامه نظرخواهی کند و بر اساس خواست گروه‌های فلسطینی رای خود را مشخص کند. چنین رایی هم با حفظ موضع اصولی ولی با مشورت گروه‌های فلسطینی داده می‌شود. اما غیبت یا رای ممتنع و منفی ایران به چنین قطعنامه‌هایی نه تنها کمکی به موضع فلسطینی‌ها نمی‌کند بلکه موضع آنها را تضعیف می‌نماید. زیرا آرای مثبت به این قطعنامه در واقع حمایت از تشکیل کشور فلسطینی و مخالفت با سیاست حذف فلسطین، از سوی اسرائیل و آمریکا است. این غیبت در واقع به نفع اسرائیل تمام می‌شود. زیرا اگر همه کشورها مانند ایران غیبت کنند و این قطعنامه به تصویب نرسد راه اسرائیل برای حذف فلسطین از نقشه جهان راحت‌تر می‌شود. لذا این موضع ایران، که به نام فلسطین و به کام اسرائیل است، مایه تاسف و سرشکستگی است. ایران در جبهه‌هایی با هزینه‌های بالا از فلسطین حمایت می‌کند و در این جبهه که حمایت از اسرائیل هزینه‌ای ندارد، از کمک و حمایت اجتناب می‌نماید.

راهکار مورد نظر ایران مبنی بر تشکیل یک کشور با برگزاری همه‌پرسی هر چند در حال حاضر در میان دولت‌های جهان طرفداری ندارد، اما مشابه راهکاری است که توسط برخی از اندیشمندان و صاحب‌نظران، حتی گروهی از صاحب‌نظران اسرائیلی برای تشکیل یک کشور برای یک ملت از بحر تا نهر پیشنهاد می‌شود. فکر می‌کنید راهکار همه‌پرسی ایران تا چه اندازه با موضع «یک کشور برای یک ملت» سازگار است؟

ایده‌ای که برخی صاحب‌نظران، چه غربی، چه مسلمان و چه فلسطینی و چه حتی اسرائیلی (مانند ایلان یاپه، مورخ سرشناس اسرائیلی) با عنوان «یک کشور برای یک ملت» مطرح می‌کنند،

